

متن پرسش

بسمه تعالی، سلام علیکم استاد گرامی و عزیز . چیزی در دلم است که به صورت ۲ سوال میپرسم، ۱- بنده کتاب های شما را خواندم و چیزایی دستگیرم شد اما نه یادداشتی برداشتم و نه دقت فراوانی کردم، آیا باید از اول سیر مطالعاتی را طی کنم یا خیر؟ ۲- زندگی بنده کاملا در رفاه است، هیچ احساس مشکل نمیکنم، اصلا مشکلی در زندگی نمیبینم، نمیدانم این رضایت من است از دنیا یا بی میلی خداست از من؟ آیا خدا صلاح من را در این زندگی میداند یا از من بدش می آید؟؟ ۳- آیا این مسیر به بهشتی که در اون بهشت ائمه باشن ختم میشه؟ اگر توصیه ای در زمینه نحوه زندگیم دارید با گوش جان میشنوم. عذر خواهی بنده را بپذیرید که وقت گرانبهاون را گرفتم. موفق باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام با آرزوی توفیق برای حضرتعالی، در جواب سؤال اولتان عرض بنده آن است که چون روش بنده حضوری است، اگر همچنان ادامه داده‌اید، سیر را ادامه دهید، بدون آن که بخواهید برگشت کنید و سعی‌تان آن باشد که در مطالعه‌ی کتاب‌ها قلب شما در صحنه باشد **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** نتیجه می‌گیرید. ۲- شما راضی به رفاهی که پیش آمده است نباشید ولی سعی کنید از شرایط پیش‌آمده به عنوان یک فرصت استفاده کنید. ۳- وقتی در مسیر **حَبِّ اَهْلِ الْبَيْتِ «عَلَيْهِمُ السَّلَام»** قرار گرفتیم، مثل نور بی‌رنگی خواهیم شد که در ذیل نور بی‌رنگ شدیدتر قرار دارد و وعده‌ی امام صادق **«عَلَيْهِ السَّلَام»** در این رابطه چنین است که ما از نور خدا آفریده شده‌ایم و شیعیان از نور پایین‌تر آفریده شده‌اند. روز قیامت عالی با دانی به هم می‌پیوندند و در این موقع حضرت بین دو انگشت سبابه و میانی جمع نمودند و فرمودند: مانند این دو انگشت: **«قَرَنَ «عَلَيْهِ السَّلَام» أَصْبَعِيهِ السَّبَابَهُ وَ الْوَسْطَى»** (بحارالأنوار، ج ۲۵، ص ۲۱). موفق باشید